

شناسایی و اولویت بندی علل فقر در نواحی روستایی از دیدگاه صاحب نظران شهرستان مریوان (مطالعه موردی بخش سرشیو)

سعدی محمدی^۱، تیمور کریمیان^{۲*}

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۱۰/۲۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۹/۱۸

صفحات: ۶۷-۸۴

چکیده

علل فقر در نواحی روستایی و چاره جویی برای درمان آن قطعاً در بالا بردن سطح رفاه روستاییان، ماندگاری جمعیت، حفظ محیط زیست و در نهایت تحقق توسعه پایدار روستایی نقش بسزایی دارد لذا تحقیق حاضر با هدف شناسایی شناسایی و اولویت بندی علل فقر در نواحی روستایی از دیدگاه صاحب نظران (مطالعه موردی بخش سرشیو شهرستان مریوان می باشد جامعه آماری تحقیق حاضر را کلیه صاحب نظران شهرستان مریوان تشکیل می دهند حجم نمونه در این تحقیق ۶۰ نفر که به صورت هدفمند و با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شدند ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه محقق ساخته می باشد که رواییان توسط متخصصین تأیید و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۰ به دست آمد نتایج تحقیق نشان داد که عوامل اقتصادی، طبیعی، اجتماعی، سیاسی و کالبدی به عنوان عوامل مؤثر بر فقر در بخش سرشیو مریوان شناسایی شدند همچنین نتایج حاصل از آماره فریدمن نشان داد که عوامل اقتصادی دارای رتبه اول، و عوامل اجتماعی، سیاسی، کالبدی و طبیعی به ترتیب در رتبه های بعدی عوامل مؤثر بر فقر قرار دارند.

واژگان کلیدی: فقر، عوامل اقتصادی، عوامل طبیعی، عوامل اجتماعی، شهرستان مریوان

۱- استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور مریوان، saadi@pnu.ac.ir
۲- کارشناسی ارشد جغرافیای مدیریت و توسعه روستایی، karimiantaymoor65@gmail.co

۱- مقدمه

پرداختن به معضل فقر و تبیین روند، آثار اقتصادی اجتماعی و راهکارهای کاهش آن از جنبه نظری و بر اساس پژوهش، پیش شرط هر گونه سیاستگذاری و برنامه ریزی موفق در عرصه رفاه اجتماعی است (رئیس دانا و همکاران، ۱۳۷۹: ۳۵). فقر، واژه‌ای ناخوشایند است که جوامع مختلف بشری همواره با آن و پیامدهای نامطلوبی که به همراه داشته، دست به گریبان بوده‌اند. مکاتب مختلف اقتصادی- اجتماعی نیز در طی دوره‌های مختلف، در پی یافتن علل و ریشه‌ها و نیز کاهش و ریشه کنی آن بوده‌اند. شکل گیری دولتهای رفاه، سیستم‌های تأمین اجتماعی در کشورهای مختلف، قرار گرفتن برنامه‌های فقرزدایی در رأس دستور کار دولتها و نهادهای منطقه‌ای و بین المللی در سطح جهانی، تنها نمونه‌هایی از تحولات انجام گرفته در زمینه مبارزه با فقر بوده است که تمام این اقدامات، به نحوی بیان کننده جدیت گسترده و حساسیت بالا در برابر این معضل اقتصادی اجتماعی است (دادورخانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۴).

مطالعات مربوط به فقر یکی از نخستین جنبه‌های زندگی اجتماعی در جوامع سرمایه داری است که از حدود ۱۵۰ سال قبل مورد توجه قرار گرفته است با وجود این که مسئله فقر و فقرشناسی در ایران از ابعاد مختلفی مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته، لیکن به نظر می‌رسد نارسایی‌های زیادی در این زمینه وجود داشته باشد. به طوری که بیشتر مطالعات تکیه بر جنبه خاصی از قضیه نموده‌اند و این در حالی است که موضوعی به این گستردگی که از مهم‌ترین چالش‌های فراروی بشر است، شایسته مطالعات جامعتری بوده تا بتوان ضعف‌ها و موانع را شناسایی نموده و برای تقویت و رفع آنها کوشید.

نگاهی به آمارهای فقر در کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که هر چند فقر در هر دو جامعه شهری

و روستایی به چشم می‌خورد، لیکن اغلب افراد فقیر در روستاها ساکن‌اند و شدت فقر در مناطق روستایی غالباً بیشتر از مناطق شهری است با توجه به اینکه افراد ساکن در روستاها اغلب به مشاغل کشاورزی و دامداری اشتغال دارند و این مشاغل در کشورهای در حال توسعه عموماً به صورت سنتی و با بهره‌وری پایینی همراه هستند، لذا به نظر می‌رسد که رابطه مستقیمی بین میزان بهره‌وری و کاهش فقر در این جوامع وجود داشته باشد (مؤمنی، یوسفی و مبارک، ۱۳۸۸: ۱۰۰).

جامعه روستایی کشورهای در حال توسعه به عنوان زیستگاه مردم فقیر تلقی می‌گردد در این کشورها بخش اعظمی از مردم در مناطق روستایی زندگی می‌کنند که بخش عمده آنان فقیر می‌باشند (دیکسون، ۱۹۹۰) این گروه غالباً از دسترسی به امکانات زندگی و خدمات محروم می‌باشند (میتلین، ۲۰۰۱).

در ایران هرچند آمار و اطلاعات دقیقی برای برآورد میزان یا حجم فقر روستایی وجود ندارد اما بررسیهای پراکنده موید گسترده بودن فقر روستایی در کشور است. توجه به روستاها و سیاست های فقر زدایی در دهه‌های اخیر مورد توجه دولت و برنامه ریزان بوده است وزارت جهاد کشاورزی در زمینه عرضه خدمات و ارتقای شرایط زندگی در نقاط روستایی و افزایش درآمد روستاییان اقدامات نسبتاً وسیعی را در دوران اخیر انجام داده است. با این حال خدمات تولیدی، زیرساخت‌ها، عرضه خدمات بازاریابی و تجارتي و دیگر فعالیت‌های انجام گرفته در جوامع روستایی عمدتاً در خدمت گروه های دارای درآمد متوسط بوده است.

از طرف دیگر دولت منابع قابل ملاحظه‌ای تحت عنوان برنامه‌های کمک به اقشار و یا مناطق محروم صرف کرده است، لیکن این برنامه‌ها برای دست یابی به اهداف مورد نظر از کارایی چندانی برخوردار

فقر به صورت‌های گوناگونی تعریف شده است و مفهومی بسیار گسترده‌تر از کمبود درآمد دارد در واقع فقر حیطه‌هایی از قبیل نقصان و کمبود در دارایی، سلامتی، امید به زندگی، آموزش و تحصیلات، اختیار و قدرت و سایر شاخص‌های اجتماعی را نیز در برمی گیرد. هر چند معرفی جنبه غیردرآمدی فقر بسیار دشوارتر از معرفی جنبه درآمدی آن است (CSLS, 2003).

تانسند (Townsend, 1985) معتقد است که افراد، خانواده‌ها و گروه‌های جمعیتی را زمانی می‌توان فقیر به حساب آورد که با فقدان منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیتها و شرایط و امکانات معمول زندگی، مواجه باشند. همچنین سن (Sen, 1983) اشاره کرده، همه این تعاریف به نوعی محرومیت اشاره دارد. این درحالی است که مفهوم محرومیت یک مفهوم اجتماعی و نسبی است و براساس هنجارهایی تعریف می‌شود که ممکن است در طی زمانها و مکانهای مختلف کاملاً با هم فرق داشته باشند.

بوت و راونتري^۱ دو نفر از پیشگامان مطالعات فقر در انگلستان، در اواخر قرن نوزدهم تلاش کردند تعریف مناسبی از فقر ارائه دهند آنها کوشیدند که بین فقر مطلق و فقر نسبی تمایز قائل شوند فقر مطلق موضوعی عینی است و متضمن تعریف علمی، که بر پایه حداقل معاش شکل گرفته است و منظور حداقل نیازهایی است که برای حفظ زندگی لازم است به این ترتیب، فقر مطلق به عنوان ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی تعریف شده است اگر فردی در سطحی کمتر از این حداقل باشد، توان لازم را برای ادامه زندگی نخواهد داشت براساس این تعریف، این تناقض پیش می‌آید که چگونه افراد بدون برخورداری از حداقل نیازهای اولیه‌شان قادر به ادامه زندگی

نبوده‌اند (حسن زاده، ۱۳۷۹: ۱۳۷). مطالعات انجام شده بر اساس شاخص های فقر، حاکی از آن است که شدت فقر در خانوارهای روستایی که سرپرست آنها بنا به هر دلیلی بیکار است بسیار بالاست از سوی دیگر بر اساس همین مطالعات در میان خانوارهای روستایی که دارای سرپرست شاغل می‌باشند، بیشترین شدت فقر در میان خانوارهایی مشاهده می‌شود که سرپرست آنها به کشاورزی اشتغال دارد (عرب مازار و حسینی نژاد، ۱۳۸۳: ۷۰).

با توجه به مطالب مطرح شده تلاش برای مبارزه با فقر روستایی امر مسلم و قطعی است صاحب‌نظران علوم گوناگون راه‌های متفاوتی را برای حل مشکل فقر روستایی یا به حداقل رساندن آن ارائه کرده‌اند که با دقت در اوضاع کنونی روستاها می‌توان به این نتیجه رسید که این الگوها به نتیجه‌ای مطلوب دست پیدا نکرده‌اند (پور طاهری و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۲) و بخش سرشيو مریوان نیز از این قاعده مستثنی نیست این منطقه با توجه به موقعیت جغرافیایی و فرهنگ حاکم بر جامعه و سبک زندگی آنها در فقر به سر می‌برند با توجه به این امر مهم تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به سؤالات اساسی زیر می‌باشد:

- ۱- عوامل مؤثر بر فقر روستایی بخش سرشيو مریوان کدامند؟
- ۲- کدام عامل به ترتیب بیشترین تأثیر را بر فقر در نواحی روستایی بخش سرشيو مریوان دارند؟

۲- مبانی و چهارچوب نظری

پدیده فقر که خود نمودی از توسعه نیافتگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، ثبات سیاسی، همبستگی اجتماعی و سلامت جسمی و روحی ملتها را تهدید کرده، موجب افزایش مرگ و میر به خصوص نوزادان و مادران، کاهش متوسط طول عمر، افت کارایی انسانها و در نهایت تنزل بهره وری اقتصادی می‌گردد (بانک جهانی، ۱۳۸۱: ۱۵)

¹ Boot & Rowntree

در نظریه‌های رشد کلاسیک (از آدام اسمیت و ریکاردو تا حتی دوران کینز) گسترش بازارها به عنوان مهم‌ترین محرک افزایش تولید و ارتقاء بهره‌وری نیروی کار است و سود منبع تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های جدید شناخته می‌شود (زریباف، ۱۳۹۱: ۷۴).

از دهه ۱۹۶۰ به بعد، با احیای مکتب نئوکلاسیک و نیز ایجاد مکتب پولی، نظام سرمایه‌داری لیبرال‌جانی تازه گرفت گروهی از طرفداران مکتب نئوکلاسیک، در دهه‌های اخیر، از توزیع مجدد درآمد به نفع فقیران جانبداری می‌کنند؛ اما اغلب آن‌ها مدعی‌اند که سیستم قیمت‌ها، خود، موجب گسترش فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد فقیران خواهد شد اقتصاددانان مکتب پولی، در اصول، با نئوکلاسیکها خویشاوندی نزدیک دارند؛ اما اغلب با چشم‌پوشی از موضوع توزیع درآمد، آرزو می‌کنند که این موضوع، هرگز مطرح نشود آن‌ها با این ادعا که فلاسفه درباره ماهیت توزیع بهینه درآمد توافق ندارند، نتیجه می‌گیرند که از کارشناس اقتصادی کاری ساخته نیست و بهتر است همه چیز را به حال خود بگذارند (فراهانی فرد، ۱۳۸۴: ۲۷).

در اوایل قرن ۲۰، آرتوریانگ^۱ مجدداً از تأکید آدام اسمیت در مورد گسترش بازارها گامی فراتر نهاد و اظهار داشت که نوآوری تکنولوژیک می‌تواند با افزایش بهره‌وری نیروی کار و در نتیجه افزایش درآمد و تقاضا به گسترش بازارها منتهی شود. در این مکتب، نقش دولت نیز محدود به ایجاد امنیت، تولید کالای عمومی و تأمین اجتماعی است. در نهایت، نظریه پردازان کلاسیک روش دستیابی به پیشرفت و رفاه و همچنین رفع فقر و فلاکت در کشورها را در گسترش بازارها معرفی کردند و معتقدند با بهبود تولید و افزایش سرانه

خواهند بود جواب این پرسش از دیدگاه نظریه پردازان فقر مطلق این است که آنها برای مدت طولانی زنده نخواهند بود و اگر برایشان حداقل معاش فراهم نشود از گرسنگی خواهند مرد (بوت و راونتری به نقل از پیرانی و شهسوار، ۱۳۸۸).

در مقابل فقر مطلق، فقر نسبی قرار دارد که موضوعی نسبی است و در نتیجه داوری‌های افراد بر تعیین سطح فقر مؤثر است فقر نسبی به عنوان ناتوانی در کسب سطح معینی از استانداردهای زندگی، که در جامعه فعلی لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود، تعریف شده است در فقر نسبی که ناشی از اختلاف شدید درآمدی است، فقر صرفاً به دلیل فقدان منافع برای تأمین نیازهای اساسی نیست، بلکه از کمبود منابع برای دسترسی به حداقل استاندارد زندگی جامعه نشأت می‌گیرد که در جدول زیر به تعاریفی در ارتباط با فقر اشاره می‌شود:

جدول ۱: تعاریف و انواع فقر

تعریف	انواع فقر
این نوع فقر که در قالب شاخص فقر انسانی متبلور می‌گردد، براساس میزان محرومیت افراد جامعه در سه زمینه اساسی (زندگی انسانی یعنی طول عمر، دانش و آگاهی و سطح زندگی قابل قبول، پایه گذاری شده.	فقر انسانی
فقدان میزان درآمد لازم برای تأمین حداقل نیازهای مصرفی	فقر درآمدی
حداقل نیازهای پایه برای معیشت هر فرد که عدم تأمین آنها وی را دچار مشکل می‌کند فقر مطلق می‌گویند.	فقر مطلق
در فقر نسبی به تعداد افراد فقیر توجهی نمی‌شود بلکه، تفاوت‌های موجود در بین طبقات بالا و پایین درآمدی مورد توجه قرار می‌گیرند.	فقر نسبی
مخارجی که یک فرد در یک زمان و مکان معین برای دسترسی به یک سطح حداقل رفاه متحمل می‌شود.	خط فقر

منبع: (آرانی، ۱۳۸۴: ۳۹۲)

۳- نظریه‌های فقر

الف) نظریه نئوکلاسیک

¹ Arthur Yang

می‌کنند و زمانی که رفتار بالفعل مردم بر اساس این هنجارها مورد سنجش قرار می‌گیرد ناگزیر نوعی نظام سلسله مراتبی از پایگاههای اجتماعی هم پدید خواهد آمد. به نظر دارندورف هسته اصلی نابرابری اجتماعی همیشه می‌تواند از این واقعیت استنتاج شود که انسانها تابعی از طرز برخوردشان با انتظارات جامعه و تابعی از مجازاتها و پاداشهایی هستند که تضمین کننده خصلت الزام آور این انتظارات است (نامه فرهنگ، ۱۶: ۱۳۷۱). دارندورف قوانین را نیز چکیده هنجارها و نشانه وجود نابرابری در جامعه می‌داند و می‌گوید: «قانون شرط لازم و کافی نابرابری اجتماعی است و به عبارت دیگر نابرابری وجود دارد، زیرا قانون وجود دارد و چون قانون هست، لاجرم نابرابری هم در میان افراد بشر وجود خواهد داشت». به نظر او طلب کردن جامعه‌ای که از هر جهت در آن تساوی برقرار باشد نه تنها غیر واقع بینانه که آرمانی منحرف و هولناک است (ملک، ۱۳۷۴: ۴۱).

ج) دیدگاه رادیکال

در دیدگاه رادیکال، فقر به طور ریشه‌ای ناشی از اوضاع ساختار اقتصاد سیاسی است که در ارتباطهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی متبلور می‌شود. براساس این دیدگاه، مشارکت همگانی و حرکت برای آزادی، دموکراسی، رفاه و عدالت، زمینه را برای به قدرت رسیدن دولت‌هایی با سوگیری توسعه همگانی و مهار ریشه‌ای فقر فراهم می‌آورد (رئیس دانا، ۱۵: ۱۳۷۹). جغرافیای رادیکال، با بهره گیری از سنت انتقادی رادیکال، نقدی محکم بر تفکرات جغرافیدانان لیبرال اروپایی و امریکایی وارد می‌سازد؛ چراکه نتوانسته‌اند مسائل جغرافیایی را ریشه یابی اساسی کنند (شکوئی، ۱۳۸۲: ۸۴). امروزه، به علت معضلاتی مانند فقر، بیماری، بیکاری و آلودگی نشینی در جهان سوم، نظریات اجتماعی ارائه شده درباره

درآمد خود به خود وضع فقرا بهبود می‌یابد (زریباف، ۱۳۹۱: ۷۹).

بنابراین، دخالت دولت به منظور مقابله با فقر به دلیل اینکه موجب اختلال در بازارها می‌شود ناکارا بود و مانع توسعه سریع خواهد شد.

ب) دیدگاه بوم شناسی (اکولوژی) شهری درباره فقر

جانبداران این دیدگاه، فقر در نواحی شهری نظیر گتوها را به پستی ژن ساکنان آن نواحی نسبت داده‌اند نظریه پردازان این گروه معتقدند که حتی اگر گروههای مهاجر قومی و نژادی دیگری نیز در این محله‌ها ساکن شوند، این نواحی باز هم فقیر باقی خواهد ماند؛ بنابراین مشکل این محله‌های فقیرنشین، نواحی خاص آنهاست، نه افرادی که در این نواحی ساکنند (افروغ، ۱۳۷۷: ۵۱).

پایداری بوم شناختی را می‌توان در تداوم و ارتقای سلامت و کارکردهای اصلی محیط زیست تعریف نمود. اصل مهم در تفکر پایداری نگرش چند مقیاسی و فرامقیاسی نسبت محیط زیست و مدیریت فعالیت‌های انسانی در چارچوب چنین چشم اندازی از محیط می‌باشد. برمبنای تعریف، هر فعالیت توسعه انسانی، نظیر ساخت محیط انسان ساخت، در حیطه یک یا چند بوم سامانه اصلی اتفاق می‌افتد. لازمه برقراری و یا تداوم حالت پایدار در یک بوم سامانه همزیستی و ارتباط متعادل تمام ارکان و عناصر آن با یکدیگر و با محیط فراتر می‌باشد. بنابراین شناخت مسیرهای آسیب پذیری می‌تواند منجر به ایجاد نظامهای پایدار انسان ساخت شود.

دارندورف^۱ تأکید می‌کند مادام که هنجارها وجود نداشته باشند و تا جایی که عمیقاً در مردم تأثیر نکرده باشند قشر بندی اجتماعی هم وجود نخواهد داشت. اما زمانی که هنجارها بر رفتار مردم تأثیر

¹ Dahrendorf

شهرنشینی و شهرگرایی، از رادیکالیسم تأثیر بیشتری می‌پذیرد (شکوئی، ۱۳۷۳:۳۶). جانبداران این دیدگاه، با بررسی ساختارهایی که فقر را به وجود می‌آورد، درصدد مقابله ریشه‌ای با مسائل پدید آورنده فقر هستند.

د) نظریه کارکردگرایی و فقر

کارکردگرایی از جمله نظریات عمده جامعه‌شناسی است، به‌گونه‌ای که از اواخر دهه ۱۹۳۰ تا اوایل دهه ۱۹۶۰ جامعه‌شناسی در آمریکا از طریق کارکردگرایی معرفی می‌شد. این نظریه در حوزه‌های گوناگون جامعه‌شناسی به وسیله کاربران مختلف به کار بسته می‌شود و در پس‌زمینه تئوریک غالب نظریات جامعه‌شناختی، نشانه‌هایی از آن را می‌توان مشاهده نمود (فصیحی، ۱۳۸۹: ۱۲۵).

کارکردگرایی نظریه‌ای کاملاً محافظه کارانه محسوب می‌شود این نظریه، در تحلیل آسیب‌های اجتماعی، ضمن پذیرش وضع موجود یا هنجارهای حاکم، دشوار یها و آسیب‌های اجتماعی را ناشی از مشکلات افراد قلمداد می‌کند به همین دلیل، مثلاً در تحلیلی از تأثیر فقر بر رشد و شیوع بیشتر آسیب‌های اجتماعی، مشکل را عمدتاً متوجه فقر فرهنگی می‌داند فقر فرهنگی به معنای مجموعه عواملی همچون بیسوادی یا کم سوادی والدین، تمایل نداشتن به استفاده از امکانات متوسط زندگی شهری و ... است؛ بنابراین به وضعیت اجتماعی در محله‌های فقیرنشین و توزیع ناعادلانه امکانات در شهر و روستا، توجه چندانی نمی‌کند (مدنی، ۱۳۷۹: ۱۹۷).

۴- پیشینه تحقیق

آغاز مطالعات علمی درباره فقر در دنیای آنگلو ساکسون در واقع به تحقیقات بوت و راونتری در اواخر قرن نوزدهم برمی‌گردد اگرچه قبل از آن در

بریتانیا برآوردی از تعداد فقرا به عمل آمده بود و ادن^۱ در کتاب خود اطلاعات زیادی راجع به وضع بودجه خانوارها در ۱۰۰ حوزه کلیسایی جمع آوری کرده بود و پیش از وی نیز انگلس و میهو^۲ اطلاعات سودمندی در مورد وضعیت فقرا در مناطق شهری انگلستان تهیه کرده بودند، اما برای اولین بار بوت^۳ با مطالعه میدانی در لندن به منظور اندازه‌گیری میزان فقر در دهه ۸۰ نتایج تحقیقات خود را بین سال‌های ۱۸۹۲ و ۱۸۹۷ منتشر کرد (عبدلی، ورهرامی، ۱۳۸۹: ۷۴).

آغاز مطالعات جدی فقرشناسی در ایران را در واقع می‌توان به سال‌های بعد از ۱۳۵۱ نسبت داد براساس مطالعه‌ای که در سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۵۳ مؤسسه برنامه ریزی ایران به عمل آورد و

نتایجش همان زمان منتشر شد، حجم فقر بسیار زیاد بود در سال ۱۳۵۱ مطالعه‌ای روی حدود ۳۰ هزار پرسشنامه بودجه خانوار مرکز ایران صورت گرفت و این مطالعه نشان داد که ۴۶ درصد کل جمعیت ایران زیر خط فقر قرار دارند (عبدلی و ورهرامی، ۱۳۸۹: ۷۶) بر این اساس در این تحقیق به چند نمونه از تحقیقات داخلی و خارجی که در این زمینه انجام شده است اشاره می‌شود:

آلیس و امدویی^۴ (۲۰۰۳) در تحقیقی با عنوان زمینه‌ی معیشت و کاهش فقر در مناطق روستایی تانزانیا نشان داد که فقر در مناطق روستایی به شدت با کمبود زمین و دام، ناتوانی در تأمین جایگزینی برای کاهش فرصت‌های مزرعه و همچنین برخورد ضعیف بخش دولتی در زمینه‌ی ساختارهای نهادی در ارتباط است که مانع ساخت مسیری برای رفع فقر می‌شود. تحقق دستاوردهای واقعی برای روند کاهش فقر نیاز به تثبیت وضعیت مالی (خرید و فروش) در سطح کلان و رسیدگی به ضعف‌های نهادی در سطح محلی

^۱ Eden

^۲ Engels & Mayhew

^۳ Booth

^۴ Ellis & Mdoe

که شهرنشینی به کاهش نرخ فقر مخارج خانوارهای روستایی، البته با یک مقدار کوچک کمک می‌کند. در پژوهش کیانگ^۳ و همکارانش (۲۰۰۸) با عنوان نابرابری جنسیتی و فقر در مدارس روستایی چین به این نتیجه رسید که نرخ ترک تحصیل در میان دختران روستایی بیشتر است آن‌ها معتقدند که سه دلیل وجود دارد که دختران روستایی از احساس فقر و محرومیت بیشتری رنج می‌برند: اول، تبعیض پنهان دختران روستایی در درون محیط اجتماعی بزرگتر، دوم، نابرابری جنسیتی که در درون ارزشهای خانواده دیده می‌شود و سوم، ناآگاهی زنان از تأثیر این عوامل. اسانتی و کارلوت^۴ (۲۰۰۸) در تحقیقی با عنوان فقر جنسیتی و استراتژیهای چندگانه در بخش غربی چین به این نتیجه رسید که تعریف فقر صرفاً شامل محرومیت اقتصادی از قبیل کمبود درآمد نیست، بلکه عوامل دیگری از قبیل فقدان عزت نفس و استقلال را نیز دربرمیگیرد این محققان درصدد تبیین چندگانه فقر از منظر مردان و زنان غنا بوده‌اند آن‌ها معتقدند نابرابری جنسیتی، نظام پدرسالاری و نقشهای سنتی جنسیتی زنان موجب شکل‌گیری تجاربی در زنان شده است که در طی آن، زنان، فقر را به مراتب بیشتر از مردان تجربه می‌کنند بنابراین آنان باید در پروژه‌ها و طرحهای محلی جهت بهبود زندگی خود شرکت کنند.

مارتین^۵ (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان پیوندهای نظارتی حکمروایی و فقر، در پی یافتن ارتباط بین حکمروایی و کاهش فقر در چارچوب مفروضات غالب اقتصادی در زمینه روابط بین رقابت، مقررات، رشد اقتصادی و فقر بوده است نتیجه مقاله بیان می‌دارد که صرف تغییرات اقتصادی نمی‌تواند تمامی

دارد. همان گونه که مطالعات پیشین نشان داد عوامل زیادی مردم روستایی به ویژه زنان روستایی را مستعد قرار گرفتن در دایره فقر کرده است، آنان به عنوان قشر آسیب پذیر بیش از سایرین در معرض تبعیضهای اجتماعی و فشارهای روانی ناشی از فقر قرار می‌گیرند.

موکرجی و بنسون^۱ (۲۰۰۳) در تحقیقی با عنوان شناخت عامل‌های تعیین کننده فقر در خانوارهای شهری و روستایی مالاوی، اثر تغییر در برخی از ویژگی‌های خانوارها بر روی فقر و رفاه را مورد بررسی قرار دادند. در این مطالعه ابتدا رابطه‌ی میان ویژگی‌های اثر FGT خانوارها و میزان مصرف آنها بررسی و سپس با بهره‌گیری از شاخص فقر سناریوهای گوناگون تغییر در ویژگی‌های دارای اهمیت بر تغییرات فقر خانوارهای منتخب بررسی شد. یافته‌ها نشان داد که بهره‌گیری از این مدل، امکان تعیین ویژگی‌های گروههای فقیر را افزایش می‌دهد. نتایج بدست آمده از شبیه‌سازی سناریوها نیز نشان داد که افزایش سطح تحصیلات و تخصیص مجدد نیروی کار، به ویژه نیروی کار زنان در خارج از بخش کشاورزی و در بخش‌های تجارت و خدمات می‌تواند منجر به کاهش فقر در مالاوی شود.

همچنین اروری، یوسف و نگوین^۲ (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان آیا شهرنشینی فقر روستایی را کاهش می‌دهد با استفاده از داده‌های حاصل از نظرسنجی خانگی با ارزیابی اثر شهرنشینی بر درآمد، هزینه، و فقر در خانوارهای روستایی در ویتنام به این نتیجه رسید که روند شهرنشینی محرک انتقال فعالیت از مزرعه به فعالیت‌های غیر کشاورزی در مناطق روستایی بوده و به خصوص شهرنشینی منجر به کاهش درآمد کشاورزی و درآمد غیر کشاورزی در خانواده‌های روستایی می‌شود در نهایت، این تحقیق

³Qiang

⁴ Asante&Charlotte

⁵ Martin

¹ Mukherjee, Benson

² Arouri, Youssef, Nguyen

مطلق محسوب شود، محتمل‌ترین علت برای آن سطح تحصیلات پایین یا همان بی سوادی سرپرست خانوار است همچنین نسبت سرپرستان خانوار بی سواد (هم چنین سرپرستان خانوار با سطح تحصیلات پایین) در کل جامعه به نسبت بی سوادان (هم چنین سرپرستان خانوار با سطح تحصیلات پایین) در سرپرستان خانوارهای با فقر مطلق کاملاً متفاوت‌اند.

خالدی، حقیقت نژاد شیرازی (۱۳۹۱) تحقیقی را با عنوان رشد اقتصادی بخش کشاورزی و فقر روستایی در ایران انجام دادند نتایج تحقیق نشان داد که موجودی سرمایه، نیروی کار و بهره وری کل عوامل تولید کشاورزی تأثیر مثبت معناداری بر رشد اقتصادی کشاورزی دارند همچنین افزایش موجودی سرمایه (سرمایه گذاری) در بخش کشاورزی می‌تواند به کاهش فقر مطلق روستایی کشور، کمک نماید.

۵- مواد و روش‌ها

این تحقیق در دسته‌بندی بر مبنای هدف از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ ماهیت توصیفی تحلیلی و از لحاظ گردآوری اطلاعات ترکیبی از روش کتابخانه‌ای و پیمایشی می‌باشد جامعه آماری تحقیق را کلیه‌ی صاحب‌نظران تشکیل دادند و حجم نمونه را ۶۰ نفر که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد همچنین طراحی پرسشنامه‌ها به صورت طیف لیکرت می‌باشد که به صورت پنج گزینه‌ای از گزینه خیلی کم تا خیلی زیاد طراحی می‌شود بدین صورت که به گزینه خیلی کم نمره (۱) و به گزینه خیلی زیاد نمره (۵) داده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های این تحقیق، از نرم‌افزار SPSS شد در ابتدا از آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای تشخیص نرمال بودن داده‌ها استفاده شده و سپس تجزیه و تحلیل، در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام شد و از مشخصه‌های آمار

زمینه‌های کاهش فقر را پوشش دهد بلکه نیازمند اصلاح ساختارهای سیاسی نیز می‌باشد.

اکسانا^۱ (۲۰۰۸) تز تحقیقاتی خود را با عنوان سیاست کاهش فقر در کشور اوکراین انجام داده است وی در این تز از سه شاخص عمده حکمروایی یعنی مشارکت، پاسخگویی و شفافیت استفاده کرده است روش وی در این مطالعه که در مقطع زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ انجام داده است از روش تحقیقاتی تحلیل محتوا و مطالعات میدانی بوده است نتایج تحقیق نشان داد که با توجه به اهداف توسعه هزاره در کاهش فقر تکامل حکمروایی خوب در کاهش فقر روستایی در اوکراین مؤثر بوده و بهره بردن از شاخص‌های حکمروایی خوب بسیار مناسبتر از شرایط کنونی کشور در کاهش فقر می‌باشد.

عبدلی ورهرامی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان بررسی ارتباط بین نابرابری درآمد، مخارج آموزشی و رشد اقتصادی به تأثیر بهبود تولیدات کشاورزی بر فقر در بخش روستایی را مورد بررسی قرار دادند نتایج حاصل از بررسی آنها نشان داد که بهبود تولیدات بخش کشاورزی علاوه بر آنکه منجر به بهبود دستمزد کارگران روستایی و صاحبان اراضی می‌گردد امنیت غذایی همه مردم کشور را نیز تأمین می‌کند به طور کلی نتایج مطالعه انجام شده نشان داد که بهبود تولیدات در بخش کشاورزی می‌تواند یکی از راههای مقابله با فقر در روستاها و تأمین معیشت روستاییان باشد.

گنجعلی و نیلوفر (۱۳۸۷) تحقیقی را با عنوان عوامل مؤثر بر فقر با استفاده از شبکه‌های بی‌زی انجام دادند نتایج تحقیق نشان داد سطح تحصیلات و بعد خانوار مهم‌ترین عوامل در مقوله تعیین سطح فقر خانوار می‌باشند همچنین با استفاده از استدلال پایین- بالا به این نتیجه رسیدند در صورتی که خانواری فقیر

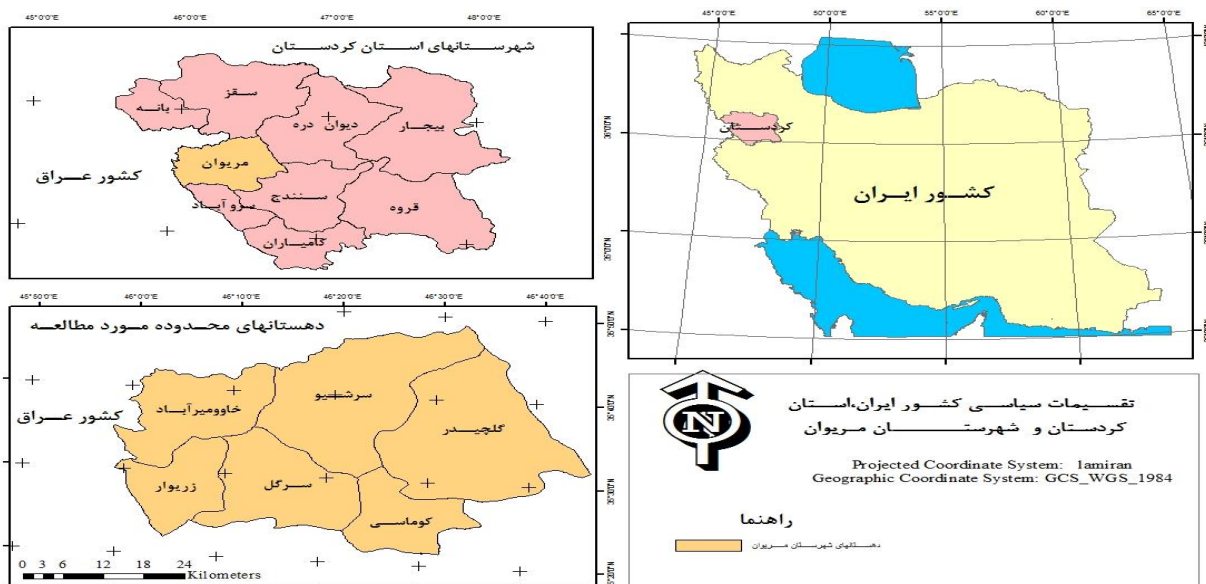
¹ Oksana

شهر به نامهای مریوان و کانی دینار و چناره است. همچنین شهرستان مریوان دارای ۶ بخش، ۶ دهستان و ۱۵۲ آبادی دارای سکنه و ۲۲ آبادی خالی از سکنه است در آن ۱۳۹۵ جمعیت شهرستان ۱۹۵۲۶۳ نفر بوده است بخش سرشویو یکی از بخشهای شهرستان مریوان می باشد این بخش دارای ۷۹۲۴ نفر جمعیت و ۱۰۴۷ خانوار می باشد (سالنامه آماری، ۱۳۹۵).

توصیفی نظیر، فراوانی و درصد فراوانی استفاده و در سطح آمار استنباطی برای پاسخگویی به سؤالات از آماره تی تست تک نمونه ای و آزمون فریدمن برای اولویت بندی عوامل استفاده شده است.

۶- معرفی منطقه مورد مطالعه همراه با نقشه

شهرستان مریوان یکی از شهرستان های استان کردستان است که در غرب این استان واقع شده و مرکز آن شهر مریوان است. این شهرستان دارای ۳



شکل ۱: نقشه محدوده مورد مطالعه

در این قسمت ابتدا آمار توصیفی مربوط به مشخصات جمعیت شناختی تحقیق ارائه و بعداً آماره های مربوط به فرضیه های پژوهش آورده می شود:

۷- یافته های تحقیق توصیفی و استنباطی:

۷-۱- یافته های توصیفی:

جدول ۲: آمار توصیفی مربوط به مشخصات جمعیت شناختی تحقیق

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۴۱
	زن	۱۹
شغل	کارمند	۳۴
	هیات علمی	۱۶
	آزاد	۴
	سایر	۶
تحصیلات	فوق لیسانس	۴۳
	دکتر	۱۷
سن	زیر ۴۰ سال	۲۴
	۴۱ تا ۴۵ سال	۱۰
	۴۶ تا ۵۰ سال	۵
	۵۰ سال به بالا	۲۱
تخصص	جامعه شناس	۱۶
	برنامه ریزی روستایی	۱۵
	محیط زیست	۱۱
	کشاورزی	۱۲
	سایر	۶

منبع: یافته‌های پژوهش

۷-۲- یافته‌های استنباطی

در این تحقیق ابتدا از آزمون کولموگروف - اسمیرنف برای نرمال بودن توزیع داده‌ها به منظور تشخیص استفاده از نوع آمارها استفاده شده است نتایج جدول زیر نشان می‌دهد که سطح معنی داری برای تمامی متغیرهای تحقیق بالاتر از ۰/۰۵ می‌باشد پس توزیع تمامی متغیرهای تحقیق نرمال می‌باشد که نتایج حاصل از این توزیع در جدول زیر آمده است:

همانطور که نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که از ۶۰ نفر افراد مورد بررسی ۶۸/۳ درصد را مردان و ۳۱/۷ درصد را مردان که مردان دارای حجم بیشتری در نمونه هستند همچنین شغل اکثر افراد نمونه، کارمند با درصد ۵۴ که بیشتر از سایر شغلها را تشکیل می‌دهد و تحصیلات اکثر حجم نمونه زیر دیپلم (۴۸/۳) بوده و به دلیل اینکه جامعه آماری مورد مطالعه صاحب نظران می‌باشد سن اکثر آنها (۳۵ درصد) بیشتر از ۵۰ سال می‌باشد و همچنین تخصص اکثر آنها جامعه شناس می‌باشد.

جدول ۳: آزمون کولموگروف اسمیرنف مربوط به نرمال بودن داده‌ها

عوامل اقتصادی عوامل طبیعی عوامل اجتماعی عوامل سیاسی عوامل کالبدی

نمره Z	۰/۶۰	۰/۵۶	۰/۸۵	۰/۷۷	۵۳
سطح معنی داری	۰/۸۷	۰/۹۱	۰/۴۷	۰/۵۹	۰/۹۴

نواحی روستایی بخش سرشویو مریوان کدامند می‌پردازیم که در زیر نتایج مربوط به تحلیل در جدول زیر آمده است.

با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها از آماره تی تک نمونه‌ای برای تحلیل سؤال عوامل مؤثر بر فقر در

جدول ۴: آماره تی مربوط به عوامل مؤثر بر فقر روستائیان

متغیر	تعداد	میانگین	آماره تی	درجه آزادی	سطح معنی داری
اقتصادی	۵۴	۵۴.۲۴	۳۵.۳۷	۵۳	۰/۰۰۱
طبیعی	۵۸	۲۳.۷۵	۳۳.۵۹	۵۷	۰/۰۰۱
اجتماعی	۵۴	۴۴.۸۵	۳۶.۰۵	۵۳	۰/۰۰۱
سیاسی	۵۳	۴۳.۳۰	۴۲.۰۸	۵۲	۰/۰۰۱
کالبدی	۵۴	۲۷.۳۵	۳۶.۹۹	۵۳	۰/۰۰۱

آماره تی ۳۶/۰۵ و درجه آزادی ۵۳ و سطح معنی داری ۰/۰۰۱ می‌باشد چون سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد می‌توان گفت که عامل طبیعی یکی دیگر از عوامل مؤثر بر فقر در نواحی روستایی بخش سرشویو مریوان می‌باشد. و نیز میانگین عوامل سیاسی ۴۳/۳۰ و آماره تی ۴۲/۰۸، و درجه آزادی ۵۳ و سطح معنی داری ۰/۰۰۱ می‌باشد چون سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد می‌توان گفت که عامل سیاسی یکی از عوامل مؤثر بر فقر در نواحی روستایی بخش سرشویو مریوان می‌باشد. و در نهایت میانگین عوامل کالبدی ۲۷/۳۵ و آماره تی ۳۶/۹۹ و درجه آزادی ۵۳ و سطح معنی داری ۰/۰۰۱ می‌باشد چون سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد می‌توان گفت که عامل کالبدی یکی از عوامل دیگر مؤثر بر فقر در نواحی روستایی بخش سرشویو مریوان می‌باشد. می‌باشد و سطح معنی داری برای تمامی عوامل ۰/۰۰۱ می‌باشد چون سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد پس می‌توان گفت که تمامی عوامل اقتصادی، طبیعی، اجتماعی، سیاسی و کالبدی از عوامل مؤثر بر فقر روستائیان منطقه سرشویو می‌باشند به عبارتی با سطح

آماره تی تک نمونه‌ای به منظور تشخیص تفاوت بین میانگین واقعی با میانگین مفروض مورد استفاده قرار می‌گیرد بر اساس نتایج جدول بالامیانگین عوامل اقتصادی ۵۴/۲۴ و آماره تی ۳۵/۳۷ و درجه آزادی ۵۳ و سطح معنی داری ۰/۰۰۱ می‌باشد چون سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد می‌توان گفت که عامل اقتصادی یکی از عوامل مؤثر بر فقر در نواحی روستایی بخش سرشویو مریوان می‌باشد. کاهش فقر اقتصادی همواره یکی از اصلیت‌ترین دغدغه‌های مصلحین اجتماعی و سیاستگذاران بخش عمومی بوده است. مطالعات مختلفی در خصوص چگونگی کاهش فقر اقتصادی انجام شده است که در اغلب آنها رشد اقتصادی به عنوان راه حل اصلی کاهش فقر مورد تأکید قرار گرفته است. میانگین عوامل طبیعی ۲۳/۷۵ و آماره تی ۳۳/۵۹، و درجه آزادی ۵۷ و سطح معنی داری ۰/۰۰۱ می‌باشد چون سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد می‌توان گفت که عامل طبیعی یکی از عوامل مؤثر بر فقر در نواحی روستایی بخش سرشویو مریوان می‌باشد. و میانگین عوامل اجتماعی ۴۴/۸۵ و

در جامعه عادلانه‌تر باشد می‌توان انتظار داشت که تأثیر سیاست‌های فقرزدایی اثربخش‌تر باشد و پدیده فقر بهتر کاهش یابد. به منظور تشخیص اینکه هر یک از عوامل اقتصادی، طبیعی، اجتماعی، سیاسی و کالبدی دارای اولویت یکسانی باعث فقر در روستای سرشوی هستند یا نه از آزمون فریدمن استفاده شده است همچنین اکثر پژوهشگران از این آزمون برای رتبه بندی و اولویت بندی متغیرها استفاده کرده‌اند که در این تحقیق محقق از این آزمون برای رتبه بندی عوامل مؤثر بر فقر روستایی بخش سرشوی مریوان استفاده کرده است.

اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت که عوامل اقتصادی، طبیعی، اجتماعی، سیاسی و کالبدی بر فقر روستائیان بخش سرشوی مریوان تأثیر گذار می‌باشد بر این اساس فقر در این بخش معلول عوامل متعددی است و تنها یک عامل باعث فقر در این بخش نشده است. نکته این است که فقر محصول یک فرآیند است و بنابراین نمی‌توان صرفاً با تأکید بر حمایت در یک بُعد مصرف یا درآمد خانوار انتظار داشت که فقر در این منطقه کاهش یابد همچنین حل معضل فقر امری کوتاه مدت نیست و مستلزم مداومت در برنامه‌های توانمندسازی و فراهم آوردن فرصت‌های مشارکت در تولید محصول اجتماعی توسط آحاد کشور و از جمله فقرا است و نیز نابرابری‌های فاحش می‌توانند چالش‌های کاهش فقر را خنثی کنند. از این رو هر چه توزیع درآمد (مصرف)

جدول ۵: آماره فریدمن مربوط به رتبه بندی عوامل مؤثر بر فقر روستائیان

متغیر	میانگین رتبه	تعداد آماره‌های دو	درجه آزادی	سطح معنی داری
اقتصادی	۴/۸۸	۵۰	۲۸۲/۰۴	۴
طبیعی	۱/۰۳			
اجتماعی	۳/۶۴			
سیاسی	۳/۴۶			
کالبدی	۱/۹۹			

فقر روستایی بخش سرشوی می‌باشد و در این بخش با توجه به اینکه انسان دخالت کمی در عامل طبیعی دارد و این منطقه از لحاظ موقعیت جغرافیایی منطقه خوبی برای کشاورزی و دامداری به حساب می‌آید این عامل در بین سایر عوامل نقش کمی در فقر روستایی این بخش دارد.

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد میانگین رتبه عوامل اقتصادی ۴/۸۸، عوامل طبیعی ۱/۰، عوامل اجتماعی ۳/۶۴، عوامل سیاسی ۳/۴۶ و عوامل کالبدی ۱/۹۹ می‌باشد و آماره‌های دو ۲۸۲/۰۴ که در سطح ۰/۰۰۱ معنی دار می‌باشند بر اساس این آزمون بین رتبه‌های این عوامل تفاوت معنی داری وجود دارد بر اساس میانگین رتبه به ترتیب اولویت عوامل اقتصادی دارای رتبه اول، و عوامل اجتماعی، سیاسی، کالبدی و طبیعی به ترتیب در رتبه‌های بعدی عوامل مؤثر بر فقر قرار دارند با توجه به اینکه فقر و اقتصاد رابطه تنگاتنگی باهم دارند عوامل اقتصادی در اولویت عامل

جدول ۹: ضریب همبستگی پیرسون مربوط به عوامل فقر در بخش سرشوی

متغیر	عوامل اقتصادی	عوامل طبیعی	عوامل اجتماعی	عوامل سیاسی	عوامل کالبدی
-------	---------------	-------------	---------------	-------------	--------------

عوامل اقتصادی	ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰/۱۶	۰/۸۸	۰/۶۶۲	۰/۱۵۸
	سطح معنی داری		۰/۲۵۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۲۷
عوامل طبیعی	ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰/۱۶۰	۰/۳۸	۰/۵۲۲	۰/۸۲
	سطح معنی داری		۰/۲۵۶	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
عوامل اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰/۳۷	۱	۰/۵۲۱	۰/۴۱۱
	سطح معنی داری		۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
عوامل سیاسی	ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰/۵۲۲	۰/۵۲	۱	۰/۴۶
	سطح معنی داری		۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
عوامل کالبدی	ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰/۸۲۲	۰/۴۱	۰/۴۶	۱
	سطح معنی داری		۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۲۷

منبع: یافته‌های پژوهش

پیدایش فقر به زمانی باز می‌گردد که جوامع انسانی به مازاد تولید دست یافتند و در سایه آن سلسله مراتب اجتماعی بر اساس تمایزهای ناشی از دسترسی نابرابر به مازاد، شکل گرفت در این میان وضعیت فقر در روستاها بسی ناگوارتر از شهرهاست و همه ساله بر شدت آن در روستاها افزوده می‌شود پژوهش‌های منفی این معضل نه تنها در خود روستاها چشمگیر بوده بلکه به شهرها نیز کشیده شده و پیامدهای آن در شهرها نیز مشاهده می‌گردد در مطالعات مختلف، از جنبه‌های گوناگونی به بررسی عوامل تشدید کننده و یا اصولاً به وجود آورنده فقر در جوامع روستایی پرداخته شده است به این ترتیب هدف اساسی تحقیق حاضر شناسایی و اولویت بندی و نیز بررسی ارتباط بین عوامل مؤثر بر فقر در نواحی روستایی بخش سرشیو شهرستان مریوان بود بر اساس اهداف تحقیق عوامل اقتصادی، طبیعی، اجتماعی، سیاسی و کالبدی به عنوان عوامل تأثیر گذار بر فقر روستایی در این تحقیق در نظر گرفته شده‌اند نتایج تحقیق نشان داد آماره تی تک نمونه‌ای برای عوامل اقتصادی، طبیعی، اجتماعی، سیاسی و کالبدی مؤثر بر فقر در نواحی روستایی بخش سرشیو مریوان در سطح $0/001$ معنی دار است بدین معنی که عوامل اقتصادی، طبیعی، اجتماعی، سیاسی و کالبدی به عنوان عوامل مؤثر بر فقر در بخش سرشیو مریوان شناسایی شدند به عبارتی نتایج تحقیق نشان داد که این عوامل بر فقر

بر اساس نتایج جدول بالا آزمون ضریب همبستگی نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین عوامل اقتصادی با عوامل اجتماعی ($0/88$) و با عوامل سیاسی ($0/66$) می‌باشد که در سطح $p=0/01$ معنی دار است به عبارتی بین این عوامل ارتباط مثبت و معنی داری وجود دارد اما ضریب همبستگی بین عوامل اقتصادی با عوامل طبیعی ($0/16$) و سطح معنی داری $0/256$ و با عامل کالبدی ($0/158$) و سطح معنی داری $0/27$ می‌باشد چون سطح معنی داری بیشتر از $0/05$ است بین این عوامل ارتباط معنی داری وجود ندارد. ضریب همبستگی بین عوامل طبیعی با عوامل اجتماعی ($0/38$) و با عامل سیاسی ($0/52$) و با عامل کالبدی ($0/82$) می‌باشد که در سطح $0/001$ معنی دار می‌باشند به عبارتی بین عوامل اجتماعی و سیاسی و کالبدی ارتباط مثبت و معنی داری وجود دارد و ضریب همبستگی بین عوامل اجتماعی با عوامل سیاسی ($0/52$) و با عامل کالبدی ($0/41$) می‌باشد که در سطح $p=0/01$ معنی دار است و نیز ضریب همبستگی بین عوامل سیاسی با عامل کالبدی ($0/46$) در سطح $0/001$ معنی دار می‌باشد به عبارتی بین این عوامل ارتباط مثبت و معنی داری وجود دارد یعنی این عوامل از همدیگر تأثیر گرفته و همدیگر اثر می‌گذارند.

تحقیقات موکرجی و بنسون^۱ (۲۰۰۳)، اروری، یوسف و نگوین^۲ (۲۰۱۷)، کیانگ^۳ و همکارانش (۲۰۰۸)، اسانتی و کارلوت^۴ (۲۰۰۸)، مارتین^۵ (۲۰۰۸)، اُکسانا^۶ (۲۰۰۸)، عبدلی وهرامی (۱۳۸۹)، گنجعلی و نیلوفر (۱۳۸۷)، خالدی، حقیقت نژاد شیرازی (۱۳۹۱) و خانی و مردانی (۱۳۸۷) همسو می‌باشد.

۹- پیشنهادها

با توجه به نتایج تحقیق پیشنهادهای زیر به جهت کاهش فقر بر اساس عوامل مذکور در این بخش ارائه می‌شوند:

الف) عوامل اقتصادی:

- ۱- اختصاص بودجه‌های عمرانی، خدماتی، اجرای پروژه‌های مختلف و ایجاد اشتغال برای ساکنان روستایی منطقه مانند فروش صنایع دستی، اجرای آداب و رسوم، غذاهای محلی و غیره؛
- ۲- تنوع بخشی به فعالیتهای اقتصادی خانوارهای روستایی جهت کاهش فقر اقتصادی روستاییان و گسترش سرمایه‌های اجتماعی؛
- ۳- ایجاد درآمدهای متنوع و پایدار جهت بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی و کاهش فقر اقتصادی روستاییان؛
- ۴- اتخاذ سیاست‌های حمایتی و ایجاد فرصت‌های شغلی درآمدزای مناسب برای اقشار فقیر روستایی.
- ۵- در کنار فراهم ساختن بسترها و زمینه‌های دسترسی فقیران روستایی به نهادها و اعتبارات، اقداماتی در راستای افزایش سطح اطلاعات فنی و

در این بخش تأثیر داشته و باعث به وجود آمدن فقر در این منطقه شده‌اند همچنین نتایج حاصل از آماره فریدمن نشان داد که عوامل اقتصادی دارای رتبه اول، و عوامل اجتماعی، سیاسی، کالبدی و طبیعی به ترتیب در رتبه‌های بعدی عوامل مؤثر بر فقر در بخش سرشوی مریوان قرار دارند می‌توان گفت با توجه چند بعدی بودن پدیده فقر در نواحی روستایی و ارتباط مستقیم فقر و اقتصاد در این تحقیق عوامل اقتصادی دارای بیشترین تأثیر بر فقر بوده است اما فقر در مناطق روستایی فقط معلول عوامل اقتصادی نبوده و عوامل دیگری بر فقر تأثیر دارند نتیجه این تحقیق نشان داد که طبیعی کمترین تأثیر را بر فقر در این منطقه داشته به دلیل اینکه این منطقه دارای منابع طبیعی زیاد بوده و از دیدگاه متخصصین عامل طبیعی دارای کمترین تأثیر بر فقر در این منطقه می‌باشد.

از طرف دیگر نتایج تحقیق نشان داد که بین عوامل بین عوامل اقتصادی با عوامل اجتماعی و سیاسی ارتباط مثبت و معنی داری وجود دارد اما بین عوامل اقتصادی با عوامل طبیعی و عامل کالبدی ارتباط معنی داری وجود ندارد. همچنین بین عوامل طبیعی با عوامل اجتماعی و با عامل سیاسی و با عامل کالبدی ارتباط مثبت و معنی داری وجود دارد ضریب همبستگی بین عوامل اجتماعی با عوامل سیاسی و با عوامل کالبدی ارتباط مثبت و معنی داری وجود دارد ارتباط بین این عوامل نشان از سیستمی بودن زندگی اجتماعی است از این منظر زندگی و رفاه اجتماعی افراد کاملاً وابسته به عوامل متعددی بوده و این عوامل با هم ارتباط دارند و هر یک از آنها بر دیگری تأثیر می‌گذارد به این معنا اگر مردم از عامل اقتصادی باعث فقر در این منطقه شده به تبع سایر عوامل را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و در نهایت کل عوامل باعث فقر در یک منطقه می‌شوند نتایج این تحقیق با

¹ Mukherjee, Benson

² Arouri, Youssef, Nguyen

³ Qiang

⁴ Asante&Charlotte

⁵ Martin

⁶ Oksana

- ۴- بهبود وضعیت مسکن روستائیان این بخش
۵- بهبود وضعیت حمل و نقل در این بخش

ه) عوامل طبیعی:

- ۱- آگاه سازی مردم منطقه به جهت نگهداری و حفاظت از منابع طبیعی.
۲- استفاده بهینه از زمین های کشاورزی دیم و آبی
۳- مکانیزه کردن سیستم آبیاری و آموزش بهینه استفاده از آب و ...

منابع

۱. آرائی، سیدمحمد مهدی (۱۳۸۴). آسیب شناسی فقرزدایی در ایران، رفاه اجتماعی، شماره ۱۸، ۲۳-۱.
۲. ارشدی، علی؛ کریمی، عبدالعلی (۱۳۹۲). بررسی وضعیت فقر مطلق در ایران در سالهای برنامه اول تا چهارم توسعه. فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان. سال یکم/ شمار یکم/ صص ۴۲-۲۳.
۳. افروغ، عماد (۱۳۷۷). فضا و نابرابری اجتماعی، ارائه الگویی برای جدایی گزینی و پیامدهای آن، تهران: سمت.
۴. بانک جهانی (۱۳۸۱). مبارزه با فقر: گزارش توسعه جهانی سال ۲۰۰۱-۲۰۰۲. ترجمه سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. معاونت امور اجتماعی، دفتر امور اجتماعی.
۵. پقه، نورمحمد؛ ازکیا، مصطفی و رضوانفر، احمد (۱۳۸۰). تعیین کننده های فقر در نواحی روستایی کلاله. مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۳۴، صص ۲۷۹-۲۵۷.
۶. پورطاهری، مهدی؛ طالبی، حسین؛ رکن الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۹). تحلیل عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر فقر روستایی با تاکید بر فقر غذایی. برنامه ریزی و آمایش فضا (مدرس علوم انسانی)، دوره ۱۵، شماره ۲، پیاپی ۷۰. صص ۸۰-۶۱.
۷. پیرانی، خسرو؛ شهبوار، محمد رضا (۱۳۸۸). بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی استان فارس. مجله پژوهش های اقتصادی، شماره سوم / سال نهم، صص ۲۶۴-۲۳۳.
۸. جعفریان، مزدک و عبدالحسین پور، فرید (۱۳۸۵). پایداری شهری با نگاهی به ویژگی های شهرهای ایران، اولین همایش بین المللی شهر برتر، طرح برتر سازمان عمران شهرداری همدان، ص ۵.

حرفه ای آنها انجام گیرد آموزش روستائیان بر حسب اولویت نیازهایشان در این زمینه می تواند راهگشا باشد.

۶- ترفیع و توسعه تمهیدات وام های کم بهره به نفع فقرا، تکنولوژی های کم هزینه، و دسترسی به بازارهای غیر رسمی به واسطه تولیدات کوچک.

ب) عوامل اجتماعی:

- ۱- برگزاری مسابقات فرهنگی- ورزشی جهت افزایش ارتباط میان روستائیان؛
- ۲- برگزاری گردهمایی و جلسات در روستا به منظور افزایش انسجام اجتماعی و مشارکت؛
- ۳- گسترش نظام حمایتی و بیمه ای روستائیان.
- ۴- بهبود دسترسی به خدمات اصلی از طریق گسترش سازمانهای مدنی و مردم نهاد

ج) عوامل سیاسی:

- ۱- با توجه به این که مردم روستا به نهادهای محلی اعتماد کامل ندارند، نهادهای اجتماعی موجود در روستا مانند پایگاههای مقاومت بسیج، هیأت امنای مسجد، نهادهای محلی و شوراها و دهیاری در گسترش اعتماد روستائیان فعالیت کنند تا با افزایش سرمایه های اجتماعی فقر اقتصادی روستائیان تا حد ممکن کاهش یابد.
- ۲- توجه ویژه به روستائیان و سیاست های تشویق رشد اقتصادی و افزایش درآمدها.
- ۳- رفع قوانین دست و پاگیر و کاهش محدوده دخالت دولت در مبادلات و برنامه های تنظیم قوانین.
- ۴- حمایت از سیاست های مرکزیت زدایی

د) عوامل کالبدی:

- ۱- ساخت کارگاههای کوچک متکی بر صنایع کاربر.
- ۲- بهبود وضعیت جاده ها و راه های مواصلاتی روستاهای بخش سرشیو

۹. حسن زاده، علی (۱۳۷۹). بررسی عوامل مؤثر بر فقر در ایران. مجله پژوهش های اقتصادی ایران، دوره ۳، شماره ۴-۵، صص ۱۸۳-۱۳۵.
۱۰. خالدی، کوهسار، حقیقت نژاد شیرازی، اندیشه (۱۳۹۱). رشد اقتصادی بخش کشاورزی و فقر روستایی در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، صص ۸۰-۵۷.
۱۱. خداداد کاشی، فرهاد؛ حیدری، خلیل و باقری، فریده (بی تا). برآورد خط فقر در ایران طی سالهای ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹. فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی. سال ۴، شماره ۱۷. صص ۲۳۳-۱۹۷.
۱۲. خسروی نژاد، علی اکبر (۱۳۹۱). برآورد فقر و شاخص های فقر در مناطق شهری و روستایی. فصلنامه مدل سازی اقتصادی، سال ششم، شماره ۲، پیاپی ۱۸، صص ۶۰-۳۹.
۱۳. دادورخانی، فضیله؛ سلمانی، محمد؛ فرهادی، صامت، زارع (۱۳۹۰). حکمروایی خوب راهبردی برای کاهش فقر روستایی. فصلنامه علمی - پژوهشی نگرش های نو در جغرافیای انسانی - سال سوم، شماره چهارم، صص ۱۲۰-۱۰۳.
۱۴. رییس دانا، فریبرز (۱۳۷۹). اندازه گیری شاخص و پویای فقر در ایران، فصل نامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم شماره چهارم، صص ۸۹-۵۷.
۱۵. رئیس دانا، فریبرز، شادی طلب، ژاله، پیران، پرویز (۱۳۷۹). فقر در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و توانبخشی.
۱۶. زاهدی مازندرانی، محمد جواد (۱۳۹۰). توسعه و نابرابری. تهران: انتشارات مازیار.
۱۷. زریباف، سیدمهدی (۱۳۹۲). بررسی و نقد نظریه های فقرزدایی. مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی. شماره ۳، صص ۹۶-۶۵.
۱۸. شکوئی، حسین (۱۳۷۳). دیدگاه های نو در جغرافیای شهری، تهران: سمت.
۱۹. شکوئی، حسین (۱۳۸۲). اندیشه نو در فلسفه جغرافیا فلسفه محیطی و مکتب های جغرافیایی، ج ۲، تهران: گیتاشناسی.
۲۰. عبدلی، قهرمان، و ورهرامی، ویدا (۱۳۸۹). بررسی ارتباط بین نابرابری درآمد، مخارج آموزشی و رشد اقتصادی. پژوهش های رشد و توسعه اقتصاد. شماره ۱ (۱۱). صص ۱۶۱-۱۸۵.
۲۱. عبدلی، قهرمان؛ ورهرامی، ویدا (۱۳۸۹). تأثیر بهبود تولیدات کشاورزی بر فقر در بخش روستایی. مجله پژوهش های روستایی. دوره ۱، شماره ۲، صص ۷۳-۹۰.
۲۲. عرب مازار، عباس و حسینی نژاد، سید مرتضی (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای شاغل روستایی در ایران. دوره ۱، شماره ۱، صص ۹۴-۶۷.
۲۳. فراهانی فرد، س (۱۳۸۴). نگاهی به فقر و فقرزدایی از دیدگاه اسلامی، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۲۴. فصیحی، امان الله (۱۳۸۹). بررسی کارآمدی نظریه کارکرد گرایی. سال اول، شماره دوم، بهار صص ۱۰۹ - ۱۳۱.
۲۵. فطرس، محمدحسن؛ قدسی، سوده (۱۳۹۳). روش آلتکیر و فوستر برای اندازه گیری فقر چندبعدی. مجله اقتصادی شماره های ۱۱ و ۱۲. صفحات ۹۲-۷۷.
۲۶. قرنی آرانی، بهروز (۱۳۸۸). تبیین کاهش فقر روستایی با رویکرد مشارکتی، رساله دکتر، استاد راهنما، محمدرضا رضوانی، تهران: دانشگاه تهران.
۲۷. گنجعلی، پریسا و نیلوفر، مجتبی (۱۳۸۷). عوامل مؤثر بر فقر با استفاده از شبکه های بی زی. مجله رفاه اجتماعی، دوره ۷، شماره ۲۸، صص ۱۲۸-۱۰۷.
۲۸. مدنی، سعید (۱۳۷۹). آسیب ها، انحرافات اجتماعی و فقر در ایران، مجموعه مقالات فقر در ایران، تهران، انتشارات علوم بهزیستی و توان بخشی.
۲۹. ملک، حسن (۱۳۷۴). جامعه شناسی قشرها و نابرابری های اجتماعی. دانشگاه پیام نور.
۳۰. مؤمنی، فرشاد؛ یوسفی، محمدقلی و مبارک، اصغر (۱۳۸۸). بررسی عوامل تعیین کننده رشد بهره وری و فقر در مناطق روستایی ایران. در مناطق روستایی ایران. مجله پژوهش های روستایی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۲۰-۹۹.
۳۱. نامه فرهنگ (۱۳۸۱). منشأ نابرابری اجتماعی (ترجمه ح. قاضیان). شماره ۳، سال ۲.
۳۲. نیلوفر، پریسا و گنجعلی، مجتبی (۱۳۸۷). عوامل مؤثر بر فقر با استفاده از شبکه های بی زی. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۱۲۷.۱۲۸-۱۰۷.
33. Alkire, Sabina. & M.E. Santos (2010), "Acute Multidimensional Poverty: a new Index for Developing Countries", Oxford Poverty & Human Development Initiative (OPHI), Working Paper, No. 38.
34. Arouri, Mohamed; Youssef, Adel Ben; Nguyen, Cuong (۲۰۱۷). Does urbanization reduce rural poverty? Evidence from Vietnam. Economic Modelling Volume 60, Pages 253-270.

Education and Poverty", Chinese Sociology & Anthropology.

45. Ravallion, M. (1998). "Poverty Lines in Theory and Practice" LSMS working paper, No 133, World Bank.

46. Townsend, P., (1985), "A Sociological Approach to the Measurement of Poverty: a Rejoinder to Professor Amartya Sen", Oxford Economic Papers, PP 659-668.

47. Sen. A., (1983), "Poor Relatively Speaking", Oxford Economic Papers, Vol.35, 153-169.

35. Asante, Wrigley and Charlotte(2008) "Men are poor but women are poorer: Gendered poverty and survival strategies in the Dangme West District of Ghana", Norwegian Journal of Geography.

36. Centre for the Study of Living Standards (CSLS)(2003). Productivity Growth and Poverty Reduction in Developing Countries, Background Paper, prepared for the 2004 World Employment Report of the International Labour Organization.

37. Dixon, Chris(1990). Rural development in the third world, Routledge Chapman and Hall Inc. London.

38. Ellis F. and Mdoe, N(۲۰۰۳) Livelihoods and rural poverty reduction in Tanzania. World Development, 8: 1367-1384.

39. Foster, J. E., & Greer, J. & Thorbeck, E. (1984). A class of decomposable poverty measure, *econometrica*, 52: 761-766.

40. Martin, Minogue, (2008). What Connects Regulatory Governance to Poverty? CRC, University The Quarterly Review of Economics and Finance, No (48), 189-201.

41. Miltin, Diana(2001). Housing and urban poverty. A consideration of the criteria of affordability, diversity and inclusion., *housing studies*, 14(4): pp509-522.

42. Mukherjee, S. and Benson, T. (2003). "The determinants of poverty in Malawi, 1998", *World Development*, 31(2): 339-358.

43. Popovych, Oksana(2008), Good Governance and Policy Addressing Poverty Alleviation in Ukraine. MSc-Public Administration.

44. Qiang, Dong; Xiaoyun, Li; Hongping, Yang and Keyun, Zhang(2008). "Gender Inequality in Rural

Identifying and Prioritizing the Causes of Poverty in Rural Areas from the Perspectives of Marivan City Authorities (Case Study: Sarshiv Section)

Abstract

The causes of poverty in rural areas and remedies for its treatment will definitely play a role in raising the level of welfare of villagers, population survival, environmental protection and ultimately realization of sustainable rural development. Therefore, the present study aims to identify and prioritize the causes of poverty in rural areas. From the experts' point of view (case study of Sarshiyah section of Marivan city), the statistical population of this study is all the experts of Marivan city. Sample size In this research, 60 people who were selected using purpose of Cochran formula were selected. Data gathering tool in this research was a questionnaire. The researcher has made the narrative by Confirmation and reliability experts using Cronbach's alpha of 0.80. The results of the research showed that the economic, natural, social, political and physical factors were identified as factors affecting poverty in the Srijivi Marivan section, as well as the results of Friedman statistics. Economic factors ranked first, and social, political, physical, and natural factors are in the next rank of factors affecting poverty.

Key Words: Poverty, Economic factors, Natural factors, Social factors, Marivan County